

# بررسی مقایسه‌ای تأثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر قصد فرزندآوری به تفکیک جنسیت در شهر تهران<sup>۱</sup>

فاطمه مدیری\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۲۹

## چکیده

با توجه به مطالعات متعدد که نشان از تأثیر متفاوت دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر فرزندآوری و وجود تفاوت‌های جنسیتی در این حوزه دارد، این تحقیق با هدف بررسی و مقایسه تأثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر تعداد فرزندان قصد شده، به تفکیک جنسیت انجام شده است. جامعه آماری پیمایش، متاهلین شهر تهران بوده و با استفاده از فرمول کوکران و اثر طرح مطلوب، ۱۲۷۲ مرد و زن متاهل که سن زن در خانواده ایشان ۱۵ تا ۴۹ سال بود، انتخاب شده است. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و ابزار مورد استفاده پرسشنامه بوده و در تحلیل داده‌ها از آزمون‌های همبستگی

---

۱- این مقاله مستخرج از طرح مصوب موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور با عنوان کیفیت زندگی زناشویی و تأثیر آن بر قصد فرزندآوری است. داده‌های مقاله برگرفته از پیمایش سبک زندگی متاهلین و تعیین‌کننده‌های آن می‌باشد که با حمایت مالی معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری اجرا شده است.

\* استادیار جامعه‌شناسی، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، گروه مطالعات خانواده.  
fateme.modiri@psri.ac.ir

پیرسون و تحلیل مسیر استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد، گرایش افراد به دین نسبتاً بالاست و نگرش‌های جنسیتی برابرطلبانه در سطح وسیعی دیده می‌شود. زنان دیندارتر از مردان بوده و نگرش‌های جنسیتی برابرطلبانه‌تری دارند. به طوری که حدود ۶۰ درصد از مردان و ۷۰ درصد از زنان دینداری متوسط و بالاتر و حدود ۵۰ درصد مردان و ۷۰ درصد زنان نگرش‌های جنسیتی برابرطلبانه در سطح بالا را گزارش کرده‌اند. نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد تعداد فرزندان قصد شده در هر دو جنس متأثر از دینداری و نگرش‌های جنسیتی بوده و دینداری بیش از نگرش‌های جنسیتی بر تعداد فرزندان قصد شده اثرگذار است. الگوی تقریباً مشابهی در تاثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر قصد فرزندآوری در مردان و زنان وجود داشته، اما تفاوت‌های جنسیتی نیز مشهود است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اتخاذ سیاست‌های مناسب می‌تواند در رسیدن به جمعیت مطلوب کمک‌کننده باشد.

**واژه‌های کلیدی:** قصد فرزندآوری، دینداری، نگرش‌های جنسیتی، نظریه گذار دوم جمعیتی، نظریه تغییر ارزش‌های نسلی.

## بیان مسئله

در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورهای غربی که به لحاظ سطح توسعه اقتصادی وضعیت مشابهی دارند، باروری پایین گزارش شده است. به‌رغم وجود باروری پایین در این کشورها، روند تغییرات و تعیین‌کننده‌های آن یکسان نبوده، به طوری که در چند کشور سکولار و برابرطلب با نرخ مشارکت بالای زنان در بازار کار باروری بالاتر نیز گزارش شده است (گتو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۵؛ به نقل از کاستل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳؛ دالا زانا؛ میشلی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴؛ کلمن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴؛ مک دونالد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰؛ ۲۰۰۲). به عبارت دیگر در کشورهای با سطح توسعه

- 
1. Guetto
  2. Castles
  3. Dalla Zuanna and Micheli
  4. Coleman

برابر، تفاوت‌های معناداری در تأثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر رفتار باروری وجود دارد و تناقض‌های خرد و کلان در حوزه تأثیر فرهنگ بر باروری دیده شده است (کلمن، ۲۰۰۴؛ مک دونالد، ۲۰۰۰؛ ۲۰۰۲). این تفاوت‌ها می‌تواند حاکی از وجود تفاوت‌های فرهنگی و تأثیر متفاوت فرهنگ بر رفتار افراد در جوامع مختلف باشد.

از طرف دیگر باروری پایین در برخی کشورها که به‌لحاظ سطح توسعه متفاوت از کشورهای توسعه یافته هستند، نیز گزارش شده که می‌تواند نظریه‌های فرهنگی تبیین‌کننده باروری پایین را تایید کند. بر اساس نظریه تغییر ارزش‌های نسلی اینگلهارت<sup>۲</sup> در جوامع پیشرفته صنعتی (۱۳۷۳) و نظریه گذار دوم جمعیتی لست‌هاک<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) و ون‌دکا<sup>۴</sup> (۱۹۹۷)، تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها، موجب وقوع رفتارهای جدید در خانواده از قبیل همزیستی<sup>۵</sup>، انحلال روابط همسران و باروری پایین شده است. بر این اساس تغییرات ایجاد شده در دو بعد اصلی فرهنگ یعنی دینداری و نگرش‌های جنسیتی (اینگلهارت؛ نوریس،<sup>۶</sup> ۱۳۸۷) در تصمیم‌گیری باروری پایین نقش اساسی ایفا کرده است.

سرعت تغییرات اقتصادی اجتماعی و رابطه ارزش‌ها با رفتارها در جوامع غربی متفاوت است و بنابراین نتایج همه تحقیقات مشابه نبوده و برخی معتقدند، رابطه میان ارزش‌های پسمادی و تصمیم باروری بر پیشگوکننده‌های نظریه گذار دوم جمعیتی استوار نیست و مشخصاً گسترش ارزش‌های پسمادی به‌طور مداوم با کاهش باروری کل مرتبط نیست. این محققان با توجه به تناقضات خرد و کلان نظریه‌های مطرح شده، در پی پاسخگویی به این سؤالات هستند که با توجه به این که تغییرات فرهنگی به سمت نگرش‌های جنسیتی برابرطلبانه، با نرخ باروری ارتباط دارد، چرا باروری پایین در برخی کشورهای حداقل پسمادرن دیده می‌شود و چرا در برخی کشورهای برابرطلب و سکولار

- 
1. McDonald
  2. Inglehart
  3. Lesthaeghe
  4. Van de Kaa
  5. Cohabitation
  6. Norris

نرخ باروری بالاتر رفته است. نرخ بالای مشارکت زنان در بازار کار و نرخ بالاتر باروری در برخی جوامع، انتقادهایی را به نظریه گذار دوم جمعیتی وارد کرده است (کلمن، ۲۰۰۴؛ مک‌دونالد، ۲۰۰۰؛ ۲۰۰۲).

هم‌زمان با تغییرات جهانی در دهه‌های اخیر، تغییرات بنیادین در ساختار و ویژگی‌های خانواده ایرانی در ابعاد مختلف ایجاد شده است. کاهش سطح باروری از تجربیات مهم خانواده ایرانی بوده، به طوری که میزان باروری کل در کشور در سال ۱۳۹۰ حدود ۱/۸ برآورد گردیده و در حال حاضر اکثر استان‌های کشور باروری پایین‌تر از حد جانشینی دارند (عباسی شوازی؛ حسینی چاووشی، ۱۳۹۲).

از طرف دیگر حوزه دین نیز از تغییرات اقتصادی اجتماعی دهه‌های اخیر مستثنی نبوده و گزارشات متعدد مبنی بر خصوصی شدن دین و کاهش مناسک دینی (آزادارمکی؛ مدیری ۱۳۹۰؛ روحانی؛ معنوی پور، ۱۳۸۸؛ توسلی؛ مرشدی ۱۳۸۵؛ سراج زاده؛ پویافر، ۱۳۸۷؛ زین‌آبادی، ۱۳۸۵؛ سودانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ موحد؛ عنایت ۱۳۸۵) و تفاوت‌های جنسیتی در این حوزه مشاهده می‌شود (مدیری و آزادارمکی، ۱۳۹۲). همچنین تغییراتی در نگرش‌های جنسیتی ایجاد شده ولیکن همواره نگرش‌های جنسیتی در مردان سنتی‌تر از زنان بوده است (سروش؛ بحرانی، ۱۳۹۲؛ سراج‌زاده؛ جواهری، ۱۳۸۵؛ هومین‌فر، ۱۳۸۲؛ ریاحی، ۱۳۸۶؛ خواجه‌نوری، ۱۳۸۶؛ خمسه‌ای، ۱۳۸۶؛ مدیری، ۱۳۹۴).

چنان که گفتیم هم‌زمانی تغییرات مذکور توجه محققین این حوزه را به رابطه میان مولفه‌های فرهنگی و کاهش باروری جلب کرده و به‌رغم این که تاثیر عوامل فرهنگی در رفتارهای باروری در مطالعات داخلی نیز تا حدودی مدنظر بوده، اما تاثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر رفتار و نیت باروری و به‌ویژه حضور هم‌زمان این دو متغیر با لحاظ کردن تفاوت‌های جنسیتی مغفول مانده است.

با توجه به این که فرآیند تغییر ارزش‌ها و پیامدهای آن در همه کشورها یکسان نیست و از طرف دیگر در جوامع سنتی‌تر که باروری پایین نیز دارند، دینداری و نگرش‌های جنسیتی پیش‌بینی کننده‌های قوی‌تری برای باروری زنان است (گتو و

همکاران، ۲۰۱۵)، همچنین به دلیل وجود تفاوت‌های جنسیتی در پدیده‌های اجتماعی و این که در مطالعات ما مردها در نگرش‌ها و رفتارهای باروری عمدتاً نادیده گرفته شده‌اند، نیاز به مدل‌های نظریه که روابط میان ارزش‌ها و رفتارهای باروری را نشان دهد بیشتر احساس می‌شود. بر این اساس این مقاله به بررسی تأثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر قصد فرزندآوری به تفکیک جنسیت پرداخته است. در این مقاله تلاش خواهیم کرد به چند سؤال اساسی پاسخ دهیم: آیا دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر قصد فرزندآوری اثرگذارند؟ با توجه به این که برخی مطالعات نشان داده که دینداری نسبت به نگرش‌های جنسیتی پیشگویی کننده قوی‌تری برای رفتارها و ایده‌ال‌های خانوادگی است (برگامر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲؛ درساز؛ پاپل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶؛ فیلیپاوی<sup>۳</sup>؛ برگامر، ۲۰۰۷) و با توجه به این که تحقیقات متعدد نشان از تأثیر دینداری بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی در جامعه ما دارد، مقایسه تأثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر تعداد فرزندان قصد شده، اثرگذاری کدامیک را بیشتر نشان می‌دهد؟ همچنین با توجه به این که تحقیقات پیشین ما نشان داده زنان از مردان دیندارتر و برابرطلب‌تر هستند (سروش؛ بحرانی، ۱۳۹۲؛ سراج‌زاده؛ جواهری، ۱۳۸۵؛ هومین‌فر، ۱۳۸۲؛ ریاحی، ۱۳۸۶؛ خواجه‌نوری، ۱۳۸۶؛ خمسه‌ای، ۱۳۸۶؛ مدیری، ۱۳۹۴؛ مدیری؛ آزادارمکی، ۱۳۹۲) آیا الگوی تأثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر قصد فرزندآوری در مردان و زنان مشابه است یا متفاوت؟

### پیشینه تحقیق

گتو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود بر اساس نظریه گذار دوم جمعیتی و با تأکید بر تغییرات فرهنگی و نگرشی برای تبیین باروری پایین و افزایش مشارکت زنان در بازار کار، با استفاده از سه موج بررسی ارزش‌های اروپایی در سال‌های ۱۹۹۰، ۱۹۹۹، ۲۰۰۸ به

- 
1. Berghammer
  2. Derosas & Poppel
  3. Philipav

مقایسه تاثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی در چند کشور اروپایی پرداختند. تحقیق ایشان در عین حال که در برخی جوامع نظریه گذار دوم جمعیتی را تایید کرده؛ اما از برخی انتقادها به این نظریه نیز حمایت کرده و تفاوت میان جوامع مختلف را نشان داده است. ایشان با اشاره به تناقض‌های کلان و خرد در رابطه با نقش ارزش‌ها بر رفتارهای خانوادگی نشان داده‌اند، سرعت روند تغییرات اجتماعی فرهنگی در کشورهای اروپایی یکسان نبوده و پیشگامان گذار دوم جمعیتی در حال حاضر نرخ بالای مشارکت بازار کار زنان و باروری بالاتر را دارا هستند. دینداری با باروری و خانه‌داری زنان رابطه مثبت داشته در حالی که نگرش‌های جنسیتی فقط با تصمیم‌گیری مشارکت زنان در بازار کار مرتبط بوده است. این همبستگی در کشورهای سنتی‌تر قوی‌تر است حتی اگر باروری کل پایین‌تر باشد. دینداری پیشگو کننده مهمی در تعداد فرزندان است؛ اما تفاوت‌هایی میان کشورها وجود دارد. به‌طوری‌که در کشورهای اسکاندیناوی، آلمان شرقی و همچنین ایرلند تاثیر معنادار مستقیم مشاهده نشده و در ایتالیا، اسپانیا و هلند رابطه قوی برقرار است. داده‌ها با انتظارات ایشان که دینداری و نگرش‌های جنسیتی با پیامدهای جمعیتی رابطه دارد در کشورهای کاتولیک و بیشتر سنتی مطابق بوده است.

کاستل (۲۰۰۳) نیز در مقاله خود با عنوان جهان وارونه: باروری زیر جانشینی، تغییر اولویت‌ها و سیاست‌های عمومی دوست‌دار خانواده آورده است: در طول دو دهه گذشته کاهش نگرش‌های سنتی و افزایش مشارکت زنان در بازار کار با کاهش نرخ باروری در جوامع صنعتی همراه بوده؛ اما حالا این رابطه به‌کلی دگرگون شده است. او در این مقاله تلاش کرده میان ارزش‌های فرهنگی، ساختار اقتصادی و سیاست‌های اجتماعی رابطه برقرار کند. او پیوند به ظاهر غیر عادی میان سنت فرهنگی و ساختار شغلی را نتیجه تغییر اولویت‌های زنان در کار و خانواده و تفاوت میان کشورها در سیاست‌های عمومی دوست‌دار خانواده معرفی کرده است (نیلز، ۲۰۰۵)، نیز نشان داده که فاکتورهای فرهنگی نقش مهمی در تغییرات جمعیتی دارد، اما این فرض که تاخیر در باروری به‌وسیله فاکتورهای فرهنگی شکل می‌گیرد؛ نیاز به شواهد متقن‌تری دارد.

همچنین برخی مطالعات نشان داده‌اند تغییرات فرهنگی به‌سوی سکولاریسم در حال رشد و واکنش فرهنگی در مقابل مدل‌های سنتی خانواده (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷) با نگرش مطلوب زنان به اشتغال و مشارکت ایشان در بازار کار در دو سطح خرد و کلان (فورتین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵؛ استیبر؛ هاس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲) و با انتقال نسلی (فرناندز؛ فوگلی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹؛ فرناندز و همکاران، ۲۰۰۴) همراه بوده است. اما شواهد در برخی مطالعات نشان می‌دهد که اثرات آن بر باروری در سطح فردی در هم آمیخته‌تر و ترکیبی است. به‌عنوان مثال متین<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند که نگرش‌های سنتی و برابرطلبانه مردان در فنلاند با باروری بالاتر نسبت به نگرش‌های بینابینی همراه است. در حالی‌که در زنان تأثیر نگرش‌های جنسیتی بر باروری جزئی است. رابطه ارزش‌ها و رفتارها نشان داده، در حالی‌که مشارکت زنان در بازار کار در جوامع کمتر سنتی بالاتر بوده اما الگوی نرخ باروری نامشخص‌تر است (کاستل، ۲۰۰۳؛ کلمن، ۲۰۰۴؛ مک دونالد، ۲۰۰۰؛ ۲۰۰۲).

تحقیقات داخلی در حوزه تأثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی اندک است. رستگار خالد و محمدی (۱۳۹۴) نشان دادند که رابطه معناداری میان متغیرهای فردگرایی، دینداری، سکولاریسم و ارزش‌های خانوادگی با نرخ‌های باروری در استان‌ها وجود دارد. به این معنا که هر چه میزان دینداری بیشتر، سطوح سکولاریسم و فردگرایی کمتر، میزان توجه به ارزش‌های خانوادگی بیشتر باشد، نرخ باروری بیشتر است و برعکس.

سروش و بحرانی (۱۳۹۲) با استفاده از روش پیمایش و پرسشنامه محقق ساخته به بررسی تأثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی در زنان متأهل شیراز پرداخته‌اند. نتیجه این تحقیق نشان داده اگرچه دینداری رابطه معناداری با تعداد واقعی فرزندان دارد، درباره تعداد ایده‌آل فرزند وفاق چشمگیری بین زنان متأهل وجود دارد و این امر ارتباطی

- 
1. Fortin
  2. Steiber & Haas
  3. Fernandes & Fogli
  4. Mietinen

با میزان دینداری آن‌ها نداشته است. نگرش به نقش‌های جنسیتی رابطه معناداری با تعداد ایده‌آل فرزند داشته و این رابطه با کنترل متغیرهای زمین‌های نیز معنادار بوده است. نتایج تحلیل‌های چند متغیره نشان داده دینداری سهم ناچیزی در تبیین تعداد فرزند داشته و فقط ۱/۴ درصد از واریانس را تبیین کرده است. در حالی‌که تحصیلات به‌تنهایی تعیین‌کننده ۴۰ درصد از واریانس تعداد فرزندان است. عنایت و همکاران (۱۳۹۰) و فاضلی و علی‌نقیان (۱۳۹۰) نیز نشان دادند کاهش بعد خانواده و سطوح متفاوت باروری متأثر از عوامل فرهنگی است.

### چارچوب نظری

در تاثیر عوامل فرهنگی بر رفتار و نیت باروری، دو نظریه تغییر ارزش‌ها و گذار دوم جمعیتی از اینگلهارت و لست‌هاق و ون‌دکا با ادبیاتی تقریباً مشابه مطرح شده و چارچوب نظری این مقاله نیز برگرفته از این نظریه‌هاست. بر اساس این دو نظریه، تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها، موجب وقوع رفتارهای جدید در خانواده از جمله باروری پایین شده است. تغییر در دو بعد اصلی فرهنگ یعنی دینداری و نگرش‌های جنسیتی ایجاد شده که در تصمیم‌گیری باروری پایین نقش اساسی ایفا کرده است. بر اساس این نظریه‌ها تغییر پسامادی<sup>۱</sup> و تاثیر آن بر نرخ باروری از مشترکات جوامع غربی است.

نظریه تغییر نسلی ارزش‌های اینگلهارت در جوامع پیشرفته صنعتی به تغییر ارزش‌های سنتی به ارزش‌های پسامادی و تاکید بر استقلال فردی و خود تحقق‌بخشی متعاقب افزایش امنیت فیزیکی و اقتصادی اشاره دارد. این نظریه به افزایش مشارکت زنان در بازار کار و رفتارهای جدید جمعیتی به‌عنوان پیامد تغییر ارزش‌ها تاکید دارد که به‌نوبه خود متأثر از توسعه اقتصادی اجتماعی به‌ویژه افزایش سطح تحصیلات بعد از جنگ

---

1. Post-materialist shift



جهانی دوم است (اینگلهاارت، ۱۳۷۳). اینگلهارت و نوریس (۱۳۸۷) در پیمایش جهانی ارزش‌ها توضیح می‌دهند که مدرنیزاسیون در شرایطی اتفاق می‌افتد که آسیب‌پذیری و خطرات اجتناب‌ناپذیر در حال کاهش باشد. در جوامع کمتر توسعه یافته، احساس امنیت پایین‌تر و ارزش‌های مذهبی با اهمیت‌تر هستند. با صنعتی شدن جوامع، ارزش‌های سکولار عقلانی بر ارزش‌های سنتی و با فراصنعتی شدن، ارزش‌های ابراز وجود بر ارزش‌های بقا پیشی می‌گیرند. به‌گونه‌ای که جوامع ثروتمندتر عقل‌گراتر می‌شوند، موقعیت زنان تغییر می‌کند، فردگرایی بالا می‌رود و رشد جمعیت و باروری کم می‌شود. در کشورهای فقیرتر که مدرنیزاسیون شکل نگرفته و امنیت نسبتاً کمی وجود دارد، باروری و رشد جمعیت بالاتر است.

در نظریه گذار دوم جمعیتی فاکتورهای فرهنگی و ارزش‌ها به‌عنوان هدایت‌کننده اصلی مشارکت زنان در بازار کار و باروری و فرض الگوی کلی تغییر فرهنگی در جوامع پیشرفته مطرح است. بر اساس این نظریه یافته‌های خرد و کلان حاکی است که سطوح پسمامادی با احتمال بیشتر تاخیر در تشکیل خانواده، همزیستی، انحلال زناشویی و وقوع تولدهای فرازناشویی را به‌دنبال دارد. سکولاریسم<sup>۱</sup> و اعتقادات و رفتارهای مذهبی جزو آیتم‌های ارزشی هستند که در انتقال دوم جمعیتی به‌عنوان مولفه‌های اساسی بررسی می‌شود (سوروکین؛<sup>۲</sup> لست‌هاق، ۲۰۰۴؛ ون‌دکا، ۲۰۰۱).

همان‌طور که مطالعات پیشین نشان داده رابطه دینداری و نگرش‌های جنسیتی با رفتار و نیات باروری در تحقیقات مختلف یکسان نبوده و نتایج متفاوتی گزارش شده است. همچنین چنان که دیدیم تحقیقات داخلی اندکی تأثیر هم‌زمان این دو متغیر بر رفتار و نیات باروری را مدنظر داشته‌اند و تحقیقی که به این مهم به تفکیک جنسیت پرداخته باشد، مشاهده نشد.

---

1. Secularism  
2. Surkyn

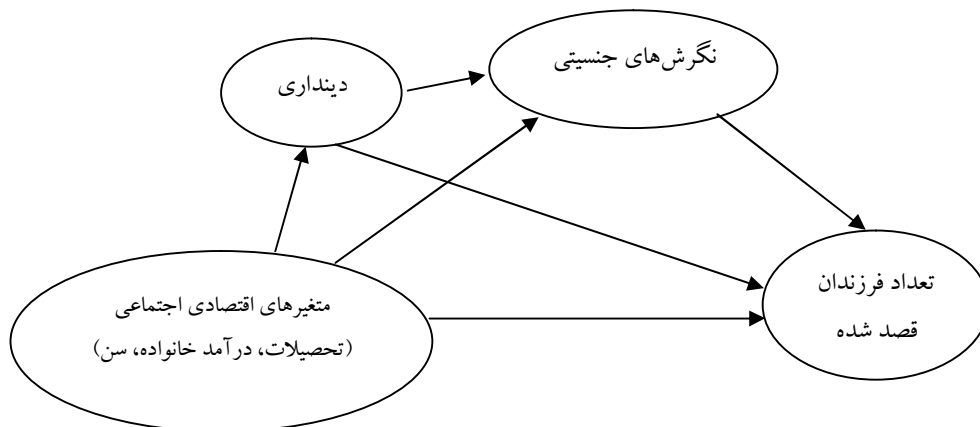
با توجه به نظریه‌ها و پیشینه مطالعات انجام شده، روند مدرنیته در دهه‌های اخیر، تغییرات گسترده در حوزه دین و نگرش‌های جنسیتی، هم‌زمانی تغییرات این دو حوزه با تغییرات باروری، چارچوب نظری این تحقیق مبتنی بر نظریه تغییر ارزش‌ها و نظریه گذار دوم جمعیتی بوده و بنابراین تاثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر قصد فرزندآوری در زنان و مردان مفروض است. همچنین از آنجا که ارتباط میان ارزش‌ها و رفتارها در کشورهای بیشتر سنتی به‌خصوص رابطه میان دینداری و باروری قوی‌تر است و با توجه به این که تحقیقات متعدد نشان از تاثیر دینداری بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی در جامعه ما دارد، بنابراین دینداری بر نگرش‌های جنسیتی نیز اثرگذار بوده و مفروض است که تاثیر دینداری بر تعداد فرزندان قصد شده در مردان و در زنان بیش از تاثیر نگرش‌های جنسیتی است. از آنجا که تفاوت‌های جنسیتی در حوزه خانواده به وفور مشاهده می‌شود، وجود تفاوت‌های جنسیتی در تاثیر مولفه‌های دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر تعداد فرزندان قصد شده مفروض است؛ اما به جهت اندک بودن مطالعات در این حوزه فرضیه آن بدون جهت مطرح خواهد شد. لازم به ذکر است که در صورتی می‌توان از تاثیرگذاری این متغیرها بر تعداد فرزندان قصد شده با اطمینان بیشتری سخن گفت که متغیرهای اقتصادی اجتماعی اثرگذار کنترل شده باشد و در مدل لحاظ گردد. بنابراین فرضیه‌ها و مدل نظری تحقیق به شرح زیر مطرح است:

فرضیه ۱: دینداری و نگرش‌های جنسیتی در مردان و زنان بر تعداد فرزندان قصد شده اثرگذار است. به طوری که افزایش دینداری و نگرش‌های جنسیتی سنتی با افزایش تعداد فرزندان قصد شده همراه است.

فرضیه ۲: تاثیر دینداری بر تعداد فرزندان قصد شده در مردان و زنان بیش از تاثیر نگرش‌های جنسیتی است.

فرضیه ۳: در تاثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر تعداد فرزندان قصد شده تفاوت جنسیتی وجود دارد.

### مدل نظری تحقیق



### روش پژوهش

این پژوهش، پیمایشی مقطعی با ابزار پرسشنامه در مقیاس لیکرت و جامعه آماری آن افراد متاهل شهر تهران بوده است. جمعیت تهران در سال ۱۳۹۰ بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران ۸۱۵۳۹۷۴ نفر بوده که در ۶۰۱۴ حوزه سکونت دارند و ۴۲۶۲۰۴۷ از این تعداد متاهل می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). با توجه به حجم بالای جامعه آماری و محدودیت زمان و بودجه، پژوهش، در نمونه‌ای معرف و متناسب با شرایط انجام شد. حجم نمونه بر اساس خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شده است. با توجه به این که فرمول کوکران فرمول نمونه‌گیری تصادفی ساده است و با احتساب اثر طرح<sup>۱</sup> برابر با ۲ و ضریب تعدیل بی‌پاسخی ۰/۲۵ حجم نمونه ۱۷۲۸ در نظر گرفته شد و با احتساب ریزش احتمالی خانوارهای نمونه (تقریباً برابر ۰/۱۵، متناسب با این نرخ در آمارگیری خانواده مرکز آمار ایران) به ۲۰۰۰ نفر افزایش یافت. نمونه‌ها متاهل بوده و از هر خانوار

---

1. Design effect

مرد یا زن برای مصاحبه دعوت شدند. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای<sup>۱</sup> PPS بوده است. به این منظور ابتدا تعداد متاهلین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران (۴۲۶۲۰۴۷ نفر) را در نظر گرفتیم و سپس با توجه به جمعیت هر منطقه تعداد نمونه هر منطقه را مشخص کردیم. برای دستیابی به نمونه‌ها در هر منطقه، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی موجود بین مناطق شهر تهران و به‌منظور انتخاب نمونه‌ای معرف از این مناطق از تقسیم جمعیت شهر تهران (۸۱۵۳۹۷۴) بر ۵۰ حوزه فاصله انتخاب ۱۶۳۰۷۹. ۴۸ به‌دست آمد. اولین حوزه به‌شکل تصادفی انتخاب شد. با اضافه کردن فاصله انتخاب به اولین حوزه، حوزه‌های بعدی انتخاب شدند. سپس با توجه به جمعیت هر منطقه و حوزه‌های انتخاب شده در آن منطقه و همچنین جمعیت هر حوزه، تعداد نمونه‌ها در هر حوزه مشخص شد.

نقشه‌های حوزه‌های منتخب از مرکز آمار ایران تهیه شد. جهت نمونه‌گیری، پرسشگران با مراجعه به حوزه‌های منتخب نمونه‌گیری و درب منازل افراد، اقدام به جمع‌آوری داده‌های پرسشنامه نهایی که بعد از تهیه پرسشنامه مقدماتی و آزمون مقدماتی آن تایید شده بود، نمودند. نمونه‌گیری با همکاری بیش از ۱۰ پرسشگر در آبان، آذر و دی ماه ۱۳۹۴ انجام شد. پرسشنامه‌ها توسط مجری طرح بررسی شد، پرسشنامه‌های با بی‌پاسخی بالا و نامعتبر کنار گذاشته شد و در نهایت ۱۷۳۶ پرسشنامه انتخاب شد. جهت اعتبار و پایایی متغیرها از اعتبار صوری مبتنی بر داوری و قضاوت متخصصان استفاده شد و در پایایی گویه‌های پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. از آنجا که این مقاله به بررسی تاثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی مردان و زنان بر قصد فرزندآوری متمرکز است، تنها نمونه‌هایی که سن زن در خانواده ۱۵ تا ۴۹ سال باشد مد نظر بوده است. بر این اساس ۱۲۷۲ نمونه انتخاب و تجزیه تحلیل انجام شده است. از نسخه ۱۹ نرم‌افزار SPSS در توصیف داده‌ها و در تحلیل داده‌ها از تحلیل عامل اکتشافی، همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر استفاده شده است.

---

1. Probability proportional to size

## تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته قصد فرزندآوری<sup>۱</sup>: با یک گویه قصد دارید چه تعداد فرزند داشته باشید؟ سنجیده شده که متغیر کمی می‌باشد. متغیرهای مستقل دینداری: از دید دورکیم دین عبارتست از دستگامی هم‌بسته از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی و همه کسانی را که پیرو آن هستند در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام امت متحد می‌کند (همپلتون، ۱۳۸۱: ۹۷ به نقل از دورکیم، ۱۳۸۶) دینداری به بیانی کلی یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۴۱؛ به نقل از هیمل فارب، ۱۹۷۷). در این پژوهش بر اساس مطالعه هوبر و هوبر<sup>۲</sup> و فرم کوتاه شده دینداری که ابعاد فکری، اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی دین را در بر می‌گیرد (هوبر؛ هوبر، ۲۰۱۲)، دینداری با ۵ گویه بعد از مرگ قیامت وجود دارد و به اعمال ما رسیدگی خواهد شد، بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی‌ام پوچ و بی‌هدف است، باید با قاطعیت با بدحجابی مبارزه کرد، نمازهای یومیه واجب خود را تا چه حد به‌جا می‌آورید، تا چه حد در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها شرکت می‌کنید، در سطح لیکرت سنجیده شده است. این ۵ گویه در تحلیل عاملی در یک عامل قرار گرفته و آلفای کرونباخ آن ۰/۹۰۴ است.

نگرش‌های جنسیتی<sup>۳</sup>: با گویه‌های در صورت عدم نیاز مالی زنان نباید بیرون از خانه کار کنند، به‌طورکلی مردان نسبت به زنان رهبران سیاسی بهتری هستند، تحصیلات دانشگاهی برای مردان مناسب‌تر از زنان است، وظیفه زن خانه‌داری و بچه‌داری است، مرد باید تصمیم‌گیرنده اصلی در خانواده باشد، اگر در خانواده درآمد زن بیشتر از مرد باشد برای رابطه آن‌ها خوب نیست، سرپرست بودن زنان در محیط کار قابل قبول است (معکوس گویه) پرسیده شده است. این ۷ گویه که در پیمایش‌های متعددی مورد استفاده

---

1. Childbearing intention  
2. Huber  
3. Gender Attitudes

قرار گرفته و روایی و پایایی آن مورد تایید می‌باشد، برگرفته از مطالعات اسپنس و هلمریچ<sup>۱</sup> (۱۹۷۲)؛ سوییم<sup>۲</sup> و همکاران (۱۹۹۵)؛ گلیک<sup>۳</sup> و فیسک (۱۹۹۶) بوده و در مقیاس لیکرت پرسیده شده است. از ترکیب این ۷ گویه که در تحلیل عامل اکتشافی بر یک عامل قرار گرفته و آلفای کرونباخ آن ۰/۸۹۰ است، متغیر نگرش جنسیتی ساخته شد و اعداد بزرگ‌تر نشان دهنده نگرش جنسیتی سنتی‌تر است.

سن: متغیر فاصله‌ای که با گویه چند سال دارید، سنجیده شده است.

تحصیلات: در این تحقیق متغیر تحصیلات فرد، در گویه ۱۱ قسمتی بی‌سواد، ابتدایی و نهصت، راهنمایی، متوسطه، دیپلم و پیش دانشگاهی، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس، دکترای عمومی، دکترای تخصصی و تحصیلات حوزوی سؤال شده است. (مرکز آمار ایران: بی‌تا). سپس متغیر تحصیلات به سه سطح متوسطه و پایین‌تر، دیپلم و پیش دانشگاهی و بالاتر از دیپلم تقلیل یافت.

درآمد خانوار: متغیر درآمد خانوار مجموع درآمد فرد پاسخگو و درآمد همسرش است. دو متغیر فوق در ۵ سطح با هم جمع شده و سپس با توجه به آخرین پیمایش هزینه و درآمد مرکز آمار که متوسط درآمد خانوار شهر تهران را ۳۷۵۰ اعلام کرده بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱)، به سه سطح درآمد پایین تا ۲۲۵۰، درآمد متوسط از ۲۲۵۰ تا ۳۷۵۰، درآمد بالا بیش از ۳۷۵۰ هزار تومان تقسیم‌بندی شد.

## یافته‌ها

از ۱۲۷۲ نمونه به‌دست آمده این پژوهش ۴۸/۶ درصد مرد و ۵۱/۴ درصد زن بودند. میانگین سنی مردان، ۳۹/۹ و میانگین سنی زنان، ۳۶/۲ سال بوده است. به‌لحاظ وضعیت تحصیلی ۲۲/۳ درصد از این افراد متوسطه و پایین‌تر، ۳۵/۴ درصد پیش‌دانشگاهی و دیپلم، ۴۲/۳ درصد بالاتر از دیپلم بوده‌اند. به‌لحاظ شغلی ۶۰/۲ درصد افراد شاغل و ۳۹/۸ درصد

---

1. Spence & Helmreich  
2. Swim  
3. Glick & Fiske

غیرشاغل بوده‌اند. ترکیب جنسی و سنی نشان می‌دهد نمونه به‌دست آمده نمونه‌ای معرف جامعه آماری است.

همچنین به‌لحاظ وضعیت تحصیلی در مردان ۲۵/۴ درصد متوسطه و پایین‌تر، ۳۵/۶ درصد پیش‌دانشگاهی و دیپلم، ۳۹ درصد بالاتر از دیپلم و در زنان ۱۹/۴ درصد تحصیلات متوسطه و پایین‌تر، ۳۵/۲ درصد پیش‌دانشگاهی و دیپلم، ۴۵/۴ درصد بالاتر از دیپلم بوده‌اند. ۹۵/۳ درصد مردان شاغل، ۴/۷ از ایشان غیر شاغل و ۲۷/۱ درصد از زنان شاغل، ۷۲/۹ از ایشان غیر شاغل بوده‌اند. به‌لحاظ وضعیت درآمد در مردان ۵۹ درصد زیر ۲۲۵۰ تومان، ۲۵/۵ درصد از ایشان از ۲۲۵۰ تا ۳۷۵۰ تومان، ۱۵/۵ درصد بالاتر از ۳۷۵۰ تومان درآمد دارند و در زنان ۹۵/۱ درصد زیر ۲۲۵۰ تومان، ۳/۷ درصد از ایشان از ۲۲۵۰ تا ۳۷۵۰ تومان، ۱/۲ درصد بالاتر از ۳۷۵۰ تومان درآمد دارند. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک جنسیت

متغیر	مردان			زنان		
	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس
سن	۳۹/۹۳	۷/۷۳	۵۹/۷۶	۳۶/۱۷	۷/۱۶	۵۱/۲۶
دینداری	۱۳/۱۶	۷/۴۰	۵۴/۷۷	۱۵/۴۷	۶/۸۲	۴۶/۵۲
نگرش‌های جنسیتی	۱۴/۶۶	۹/۳۳	۸۷/۱۴	۱۰/۶۰	۸/۰۸	۶۵/۳۱
تعداد فرزندان قصد شده	۱/۸۹	۰/۸۴	۰/۷۰۹	۱/۹۳	۰/۸۸	۰/۷۸

جدول فوق نشان می‌دهد تعداد فرزندان قصد شده برای مردان کمتر از زنان بوده و واریانس آن نیز کمتر است. به‌عبارت دیگر تعداد فرزندان قصد شده در مردان کمتر از

زنان بوده و در این موضوع بیش از زنان به توافق نیز رسیده‌اند. از طرف دیگر مردان به‌لحاظ نگرش جنسیتی سنتی‌تر از زنان هستند (۱۴/۶۶ در برابر ۱۰/۶۰) و زنان با نگرش‌های برابرطلبانه‌تر، واریانس کمتری را نیز گزارش کرده‌اند. همچنین دینداری نزد زنان بیش از مردان بوده و واریانس دینداری نیز در زنان کمتر از مردان است. جدول ۲ توزیع درصدی گویه‌های دینداری در مردان و زنان را توصیف می‌کند.

جدول ۲: توزیع درصدی گویه‌های دینداری در زنان و مردان

زنان						مردان						گویه‌های دینداری					
خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی (نیمی از اوقات)	کم	خیلی کم (به ندرت)	اصلا (هرگز)	خیلی زیاد	زیاد (بسیاری از اوقات)	تا حدودی (نیمی از اوقات)	کم	خیلی کم (به ندرت)	اصلا (هرگز)						
دینداری بالا			متوسط			دینداری پایین			دینداری بالا			متوسط			دینداری پایین		
۳۱/۸	۳۰/۶	۲۵/۱	۴/۲	۲/۸	۵/۵	۲۶/۴	۳۰	۲۳/۱	۳/۶	۴/۶	۱۲/۳	بعد از مرگ قیامت وجود دارد و به اعمال ما رسیدگی خواهد شد					
۱۹	۹/۵	۱۹/۲	۱۶/۱	۱۶/۴	۱۹/۸	۱۱/۹	۱۴	۱۸/۳	۱۵/۵	۱۱/۱	۲۹/۲	بدحجابی باید با قاطعیت با بدحجابی مبارزه کرد					



۲۶/۳	۲۳/۱	۳۰	۷/۷	۵/۵	۷/۵	۱۹/۸	۲۱/۵	۲۲/۶	۱۰/۲	۷/۲	۱۸/۷	بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی ام پررنگ و بی‌هدف است
۴۵/۳	۱۳/۹	۸/۸	۸/۴	۹/۲	۱۴/۴	۳۴/۷	۱۲/۷	۹/۳	۷/۲	۹/۱	۲۷	نمازهای بومیه واجب خود را تا چه حد به جا می‌آورید
۱۳/۷	۲۰/۲	۲۹/۹	۱۰	۱۲/۵	۱۳/۷	۱۰/۱	۱۱/۹	۲۲/۴	۱۵/۵	۱۶/۶	۲۳/۵	تا چه حد در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها شرکت می‌کنید
۲۷/۳	۱۹/۴۶	۲۲/۶	۹/۲۸	۹/۲۸	۱۲/۱۸	۲۰/۵۸	۱۸/۰۲	۱۹/۱۴	۱۰/۴	۹/۷۲	۲۲/۱۴	
۴۶/۶۶	۲۲/۶	۳۰/۷۴	۳۸/۶	۱۹/۱۴	۴۲/۲۶	معدل گرفته‌ها						

چنان که در این جدول می‌بینیم حدود ۴۲ درصد از مردان و حدود ۳۰ درصد از زنان دینداری در سطح پایین را گزارش کرده‌اند. همچنین در حدود ۵۸ درصد از مردان و حدود ۷۰ درصد از زنان دینداری متوسط و بالاتر از متوسط دارند. این یافته گرایش متاهلین شهر تهران را به ارزش‌های دینی نشان می‌دهد. جدول ۳ توزیع درصدی گویه‌های نگرش‌های جنسیتی در زنان و مردان را نشان می‌دهد.

جدول ۳- توزیع درصدی گویه‌های نگرش‌های جنسیتی در زنان و مردان

زنان						مردان						گویه‌های نگرش‌های جنسیتی
خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	اصلا	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	اصلا	
ستی		بینابینی		برابرطلبانه		ستی		بینابینی		برابرطلبانه		
۶/۶	۴/۳	۳/۷	۲۳	۳۹/۷	۲۲/۷	۲۲/۴	۸/۱	۷/۱	۳۳/۲	۲۵/۹	۳/۳	سرپرست بودن زنان در محیط کار قابل قبول است (معکوس گویه)
۴/۵	۵/۲	۱۴/۵	۱۰/۲	۱۴/۸	۵۰/۸	۶/۹	۱۵/۳	۱۷	۸/۳	۷/۵	۴۵	در صورت عدم نیاز مالی زنان نباید بیرون از خانه کار کنند
۶/۵	۱۲/۳	۳۱/۱	۹	۳/۷	۳۷/۴	۱۰/۱	۳۴/۴	۱۳/۷	۴/۶	۱/۸	۳۵/۴	به‌طور کلی مردان نسبت به زنان رهبران سیاسی بهتری هستند
۲/۵	۵/۱	۲۷/۲	۸/۸	۴/۹	۵۱/۵	۳/۴	۱۲/۲	۱۵/۹	۱۰/۹	۶/۲	۵۱/۴	تخصیلات دانشگاهی برای مردان مناسب‌تر از زنان است

۱/۴	۳/۱	۱۶/۴	۱۲/۹	۱۰/۷	۵۵/۵	۴/۱	۱۳/۸	۱۵/۵	۱۰/۳	۷	۴۹/۳	وظیفه زن خانه‌داری و بچه‌داری است
۲/۸	۸/۳	۲۷/۱	۹/۵	۴/۹	۴۷/۴	۸/۵	۲۶/۲	۲۳/۲	۴/۹	۳/۳	۳۳/۹	مرد باید تصمیم گیرنده اصلی در خانواده باشد
۶/۸	۱۲/۶	۲۹	۷/۷	۱۱/۵	۳۲/۴	۱۱/۴	۲۶/۲	۳۳/۱	۵/۴	۴/۴	۱۹/۵	درآمد بیشتر زن برای رابطه آن‌ها خوب نیست
۴/۴۴	۷/۲۷	۲۱/۲۸	۱۱/۵۹	۱۲/۸۹	۴۲/۵۳	۹/۵۴	۱۹/۴۶	۱۷/۹۳	۱۱/۰۹	۸/۰۱	۳۳/۹۷	معدل گویه‌ها
۱۱/۷۱		۲۱/۲۸		۶۷/۰۱		۲۹		۱۷/۹۳		۵۳/۰۷		

چنان که در این جدول می‌بینیم در حدود ۵۳ درصد از مردان شهر تهران که زنان ایشان در دامنه سنی ۱۵-۴۹ سال هستند، دارای نگرش‌های جنسیتی برابرطلبانه هستند. حدود ۱۸ درصد نگرش‌های جنسیتی بینابینی دارند و ۲۹ درصد از ایشان نیز نگرش‌های جنسیتی سنتی دارند. همچنین ۶۷ درصد از زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله شهر تهران دارای نگرش‌های جنسیتی برابرطلبانه، حدود ۲۱ درصد نگرش‌های جنسیتی بینابینی و حدود ۱۲ درصد از ایشان نیز نگرش‌های جنسیتی سنتی دارند. چنان که می‌بینیم بیش از نیمی از زنان و مردان شهر تهران دارای نگرش‌های برابرطلبانه هستند و نزدیک به نیمی از مردان و حدود یک سوم از زنان نگرش‌های جنسیتی سنتی به میزان متوسط و بالا دارند. جدول ۴ توزیع فراوانی تعداد فرزندان قصد شده را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد.

جدول ۴- توزیع فراوانی تعداد فرزندان قصد شده به تفکیک جنسیت

زنان				مردان				تعداد فرزندان قصد شده
درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۴/۲	۴/۲	۴	۲۶	۳/۸	۳/۸	۳/۶	۲۲	۰ فرزند
۲۸/۳	۲۴/۱	۲۲/۸	۱۴۹	۲۹/۷	۲۵/۹	۲۴/۴	۱۵۱	۱ فرزند
۷۹/۹	۵۱/۶	۴۸/۸	۳۱۹	۸۲	۵۲/۲	۴۹/۲	۳۰۴	۲ فرزند
۹۵/۱	۱۵/۲	۱۴/۴	۹۴	۹۵/۷	۱۳/۷	۱۲/۹	۸۰	۳ فرزند
۹۹/۵	۴/۴	۴/۱	۲۷	۱۰۰	۴/۳	۴	۲۵	۴ فرزند
۱۰۰	۰/۵	۰/۵	۳					۵ فرزند
	۱۰۰	۹۴/۵	۶۱۸		۱۰۰	۹۴/۲	۵۸۲	کل
		۵/۵	۳۶			۵/۸	۳۶	بی پاسخ
		۱۰۰	۶۵۴			۱۰۰	۶۱۸	کل

جدول فوق نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد از مردان و زنان متأهل شهر تهران قصد دارند در سطح جانشینی و بیش از آن صاحب فرزند شوند. حال سؤال اینجاست که آیا دینداری و نگرش‌های جنسیتی با تعداد فرزندان قصد شده، رابطه دارد؟ جدول ۵ آزمون همبستگی پیرسون دینداری و نگرش‌های جنسیتی با تعداد فرزندان قصد شده را نشان می‌دهد.

جدول ۵- آزمون همبستگی پیرسون دینداری و نگرش‌های جنسیتی با تعداد فرزندان قصد شده

زنان		مردان			
P مقدار	همبستگی پیرسون	P مقدار	همبستگی پیرسون		
۰/۰۰۰	۰/۴۹۸	۰/۰۰۰	۰/۳۹۸	دینداری	تعداد فرزندان
۰/۰۰۰	۰/۳۴۱	۰/۰۰۰	۰/۳۴۲	نگرش‌های جنسیتی	قصد شده

چنان که جدول فوق نشان می‌دهد دینداری و نگرش‌های جنسیتی با تعداد فرزندان قصد شده در مردان و زنان رابطه معنادار دارد و الگوی رابطه میان دینداری و نگرش‌های جنسیتی با تعداد فرزندان قصد شده در زنان و مردان مشابه هم می‌باشد. به طوری که با افزایش دینداری و نگرش‌های جنسیتی تعداد فرزندان قصد شده افزایش می‌یابد و رابطه دینداری با تعداد فرزندان قصد شده در زنان قوی‌تر از مردان است. جدول ۶ نتایج تحلیل مسیر و میزان تأثیر مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تعداد فرزندان قصد شده در مردان و زنان را نشان می‌دهد.

جدول ۶- میزان تأثیر مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تعداد

فرزندان قصد شده در مردان و زنان

تأثیر در زنان			تأثیر در مردان			متغیرها
کل	غیر مستقیم	مستقیم	کل	غیر مستقیم	مستقیم	
۰/۲۲۱	۰/۰۰۷۳	۰/۲۱۴	۰/۱۸۸	-۰/۰۱۹	۰/۲۰۷	سن
-۰/۱۷۷	-۰/۰۲۸	-۰/۱۴۹	-۰/۲۰۳	-۰/۰۵۰	-۰/۱۵۳	تحصیلات
-۰/۰۳۵	-۰/۰۳۵	-	-۰/۱۶۰	-۰/۰۶۲	-۰/۰۹۸	درآمد خانواده
۰/۱۰۸	-	۰/۱۰۸	۰/۱۷۰	-	۰/۱۷۰	نگرش‌های جنسیتی
۰/۳۷۶	۰/۰۳۱	۰/۳۴۵	۰/۲۸۴	۰/۰۳۲	۰/۲۵۲	دینداری

چنان که جدول ۶ نشان می‌دهد الگوی تاثیرگذاری متغیرهای مستقل دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر تعداد فرزندان قصد شده در زنان و مردان تقریباً مشابه یکدیگر است. در هر دو جنس دینداری و نگرش‌های جنسیتی سنتی با افزایش تعداد فرزندان قصد شده همراه است. بنابراین فرضیه ۱ مبنی بر تاثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی با تعداد فرزندان قصد شده تایید می‌شود. در هر دو جنس دینداری بیشترین تاثیر را بر تعداد فرزندان قصد شده دارد و تاثیر دینداری بر تعداد فرزندان قصد شده در هر دو جنس بیش از تاثیر نگرش‌های جنسیتی است. بنابراین فرضیه ۲ مبنی بر تاثیر دینداری بر تعداد فرزندان قصد شده در مردان و زنان بیش از تاثیر نگرش‌های جنسیتی، تایید می‌شود. تاثیر دینداری در زنان بیش از مردان و تاثیر نگرش‌های جنسیتی در مردان بیش از زنان است. بنابراین فرضیه ۳ مبنی بر وجود تفاوت‌های جنسیتی در تاثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر تعداد فرزندان قصد شده نیز پذیرفته می‌شود.

### نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر در بسیاری از جوامع تغییراتی در حوزه دین ایجاد شده، موقعیت زنان بهبود نسبی یافته و نگرش‌های جنسیتی سنتی به چالش کشیده شده است. هم‌زمانی این تغییرات با کاهش باروری توجه محققین را به رابطه میان این مولفه‌ها جلب کرده، به‌طوری که برخی کاهش باروری را متأثر از تغییرات حوزه فرهنگ و به‌ویژه دینداری و نگرش‌های جنسیتی دانسته‌اند. بر این اساس این مقاله در پی پاسخگویی به این سؤالات است که آیا دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر قصد فرزندآوری اثرگذارند؟ اثرگذاری کدامیک از این دو مولفه بیشتر است؟ و با توجه به این که تحقیقات پیشین ما نشان داده زنان از مردان دیندارتر و برابرطلب‌تر هستند، آیا الگوی تاثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر قصد فرزندآوری در مردان و زنان مشابه است یا تفاوت‌هایی وجود دارد؟

یافته‌های تحقیق نشان داد، اگرچه قرار گرفتن در مسیر توسعه، افزایش سطح تحصیلات و درآمد در جوامع با کاهش فرزندآوری همراه است و لاجرم جامعه ما نیز در

این مسیر قرار دارد؛ اما بیش از ۷۰ درصد زنان و مردان شهر متاهل تهران قصد دارند ۲ فرزند یا بیشتر داشته باشند. بنابراین قصد فرزندآوری در سطح دو فرزند در شهر تهران تقریباً مورد پذیرش همگان است و با توجه به اندک بودن افرادی که قصد فرزندآوری ندارند، پایین‌تر بودن نرخ باروری موقتی بوده و نباید به دغدغه اصلی برنامه‌ریزان اجتماعی تبدیل شود. از طرف دیگر باید سیاست‌های جمعیتی در راستای ایجاد شرایط مطلوب فرزندآوری شکل گیرد تا نیت باروری به رفتار تبدیل شود.

همچنین تعداد فرزندان قصد شده برای مردان مقداری کمتر از زنان بوده و واریانس آن نیز کمتر است. به عبارت دیگر تعداد فرزندان قصد شده در مردان کمتر بوده و در این حوزه بیش از زنان به توافق رسیده‌اند. در حالی که در گذشته‌های نه چندان دور خانواده بزرگ مدنظر زنان و مردان ایرانی بوده و به‌ویژه مردان خواهان داشتن فرزندان بیشتری بوده‌اند. از طرف دیگر مردان به‌لحاظ نگرش جنسیتی سنتی‌تر از زنان هستند (۱۴/۶۶ در برابر ۱۰/۶۰) و زنان با نگرش‌های برابرطلبانه‌تر، واریانس کمتری را نیز گزارش کرده‌اند. همچنین دینداری نزد زنان بیش از مردان بوده و واریانس دینداری نیز در زنان کمتر از مردان است. اما اگرچه زنان دیندارتر از مردان هستند و نگرش‌های جنسیتی برابرطلبانه‌تر دارند، تعداد فرزندان قصد شده در هر دو جنس با مقداری تفاوت تقریباً یکسان است.

از طرف دیگر دیدیم گرایش افراد به دین تقریباً بالاست. دین در زندگی ایرانیان همواره منشا اثر بوده و نقش فعال در تحولات فرهنگی ایرانیان داشته است. مطابق با مطالعات پیشین ما (آزادارمکی؛ مدیری، ۱۳۹۰؛ مدیری، ۱۳۹۲) در این تحقیق نیز تأثیر دینداری بر یکی از ابعاد زندگی اجتماعی تأیید شد. قصد و رفتار باروری در شهر تهران متأثر از میزان دینداری افراد است. در جامعه ما دینداری افراد منجر به افزایش باروری در سطح جانشینی و یا بالاتر خواهد شد. تداوم تأثیر دینداری در تبیین نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی هم‌راستا با تحقیقات (هربرگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵؛ لنسکی<sup>۲</sup>، ۱۹۶۱؛ گریلی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵) به‌نقل از

---

1. Herberg  
2. Lenski

هالمن، ۱۹۹۶؛ نوریس؛ اینگلهارت، ۱۳۸۷؛ زین‌آبادی، ۱۳۸۵؛ پارسامهر و همکاران، ۱۳۹۰؛ روحانی؛ معنوی‌پور، ۱۳۸۸؛ سودانی و همکاران، ۱۳۸۸) است. با توجه به دین‌مداری ایرانیان و تاثیر دینداری بر نيات باروری می‌توان گفت یکی از راه‌های افزایش مولید می‌تواند شناخت علل کاهش دینداری و در پیش گرفتن سیاست‌های متناسب برای مقابله با آن باشد. به‌عنوان مثال تحقیقات پیشین ما نشان داده ظهور ارزش‌های پست‌مدرن در شهر تهران با پایین بودن امنیت اجتماعی و اقتصادی همراه بوده است (مدیری؛ مهدوی، ۱۳۹۴). بنابراین افزایش امنیت اجتماعی و اقتصادی به‌طور غیرمستقیم می‌تواند به افزایش میزان باروری منجر شود. با توجه به گرایش غالب افراد جامعه ما به دین، نهادهای مذهبی می‌توانند به‌خوبی ایفای نقش کنند و از آنجا که تاثیر دینداری بر تعداد فرزندان قصد شده در زنان بیش از مردان است، به‌کارگیری این سیاست‌ها در زنان از اولویت بیشتری برخوردار است.

همچنین در این تحقیق اثرگذاری و هم‌جهت بودن تاثیر نگرش‌های جنسیتی بر قصد فرزندآوری در مردان و زنان مشاهده شد. نگرش‌های برابرطلبانه با کاهش تعداد فرزندان قصد شده در هر دو جنس همراه است و تاثیر نگرش‌های جنسیتی در مردان بیش از زنان است. بررسی نگرش‌های جنسیتی نیز وضعیت قابل قبولی را نشان می‌دهد؛ چرا که افرادی که با نگرش‌های جنسیتی برابرطلبانه خواهان بی‌فرزندی یا تک‌فرزندی هستند در اقلیت‌اند. نتایج تحقیق هم‌راستا با مطالعات اینگلهارت (۱۳۷۳)؛ سوروکین و لست‌هاق (۲۰۰۴)؛ ون‌دکا (۲۰۰۱)؛ رستگار خالد (۱۳۹۴)؛ عنایت و همکاران (۱۳۹۰)؛ نیلز (۲۰۰۵) و متفاوت با مطالعات متین و همکاران (۲۰۱۱) است. همچنین نتایج این تحقیق منطبق با نتیجه گتو و همکاران (۲۰۱۵) و سروش و بحرانی (۱۳۹۲) در تاثیر دینداری و مخالف با این تحقیقات در تاثیر نگرش‌های جنسیتی است.

بنابراین در جامعه ما تاثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر نيات باروری تا حدودی رویکردهای نظری تغییر ارزش‌ها و گذار دوم جمعیتی را که به تغییرات فرهنگی



و نگرشی به‌عنوان عوامل رسیدن باروری به سطوح خیلی پایین اشاره می‌کنند (اینگلهارت، ۱۳۷۳؛ ون‌دکا، ۱۹۹۷) تایید می‌کند. دین نقش هدایت‌گر و تعیین‌کننده خود را در نیت باروری هم‌چنان حفظ کرده و نگرش‌های جنسیتی سنتی نیز با افزایش تعداد فرزندان قصد شده همراه است و اگرچه در تعداد زیادی از مردان و به‌ویژه زنان نگرش‌های جنسیتی برابرطلبانه دیده می‌شود؛ اما میانگین نگرش‌های جنسیتی در حدی است که اکثر افراد تمایل به داشتن دو فرزند یا بیشتر دارند.

تغییر و تداوم فرهنگ در جامعه ایران در این تحقیق مشاهده می‌شود. در حالی که شکل غالب دینداری در شهر تهران تداوم ارزش‌ها در دینداری را نشان می‌دهد، تغییر در بخشی از جامعه به‌وقوع پیوسته است. از طرف دیگر در گذشته‌ای نه چندان دور زنان و به‌ویژه مردان خواهان تعداد زیادی فرزند بودند، حال می‌بینیم تفاوت جنسیتی در تعداد فرزندان قصد شده وجود نداشته و رسیدن به توافق در ۲ فرزند الگوی غالب نیت باروری در زنان و مردان است. تمایل مردان به فرزندآوری حتی کمتر از زنان شده است و چرایی این موضوع بررسی بیشتر را می‌طلبد. در حالیکه غالب افراد حدود دو فرزند می‌خواهند اما تفاوت معناداری در تأثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر تعداد فرزندان قصد شده به‌چشم می‌خورد. بنابراین می‌توان هم‌نوا با نیلز (۲۰۰۵) گفت تغییرات فرهنگی رخ داده در دهه‌های اخیر، تاحدی تغییر در نرخ‌های باروری را تبیین می‌کند. فاکتورهای فرهنگی نقش مهمی در تغییرات جمعیتی دارد، اما این فرض که تاخیر در باروری به‌وسیله فاکتورهای فرهنگی شکل می‌گیرد، نیاز به شواهد متقن‌تری دارد. بنابراین باید با دقت بیشتری به نقش متغیرهای اقتصادی، امنیت اقتصادی و اجتماعی و مقایسه آن‌ها با متغیرهای فرهنگی پردازیم. هماهنگی میان سیاست‌های اجتماعی و خانوادگی در سه سطح فردی، میانه و کلان در خانواده حداکثری و تامین اجتماعی حداقلی حال حاضر جامعه ما، ضروری می‌باشد.

در جامعه ما تغییرات اقتصادی اجتماعی در دهه‌های اخیر، موجب شده قضاوت‌های افراطی و تفریطی مجال خودنمایی یافته و گاهی منشا سیاست‌گذاری‌های نابه‌جا شوند. از

این‌رو لازم است، وضعیت ابعاد مختلف حوزه فرهنگ و خانواده همواره رصد شده و اثرگذاری و اثرپذیری آن‌ها بر زندگی اجتماعی در حال گذار ما بیشتر مورد توجه قرار گیرد. در ارائه نتایج تحقیقات نیز می‌بایست احتیاط بیشتری به‌کار برد؛ چرا که رابطه علی در مطالعات مقطعی همواره با محدودیت همراه بوده و هست. باید در این حوزه شناسایی گونه‌های مختلف دینداری و تأثیر هر یک از این گونه‌ها بر قصد فرزندآوری، علل کاهش تمایل مردان به فرزندآوری، بررسی توامان علل ساختاری و فرهنگی و شناخت دقیق‌تر تعامل میان فرهنگ و ساختار اجتماعی، پیشنهاد می‌شود.

## منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ مدیری، فاطمه. (۱۳۹۰)، «تأثیر متفاوت دینداری بر حوزه‌های عمومی و خصوصی»، *مطالعات فرهنگی جوانان*.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- اینگلهارت، رونالد؛ نوریس، پیپا. (۱۳۸۷)، *مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان: کندوکاوی در جوامع مذهبی و غیرمذهبی*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- پارسامهر، مهربان؛ دیوبند، فائزه. (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه بین میزان دینداری والدین با خشونت میان فردی فرزندان پسر دبیرستانی»، *روانشناسی و دین*، سال چهارم، شماره ۱.
- توسلی، غلامعباس؛ مرشدی، ابوالفضل. (۱۳۸۵)، «بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه صنعتی امیرکبیر)»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۴.

بررسی مقایسه‌ای تأثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی ... ۱۹۷

- خمسه‌ای، اکرم. (۱۳۸۶)، «بررسی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی بر طرح‌واره‌های نقشی جنسیتی در دو گروه قومی از دانشجویان در ایران، مطالعات روانشناسی، دوره ۳، شماره ۲.

- خواجه نوری، بیژن. (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش نقش جنسیتی دانش آموزان دبیرستانی شهرستان آباد»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، شماره ۲۸.

- رستگارخالد، امیر؛ محمدی، میثم. (۱۳۹۴)، «تغییرات فرهنگی و آفت باروری در ایران (بر پایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست‌وششم، شماره پیاپی (۸۵)، شماره دوم.

- روحانی، عباس؛ معنوی‌پور، داود. (۱۳۸۸)، رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه»، *دانش و پژوهش در روانشناسی*، شماره ۳۵.

- ریاحی، محمداسماعیل. (۱۳۸۶)، «عوامل اجتماعی - خانوادگی مؤثر بر نگرش جنسیتی جوانان استان مازندران»، *رفاه اجتماعی*، دوره ۶، شماره ۲۵.

- زین‌آبادی، مرتضی. (۱۳۸۵)، *بررسی رابطه نگرش مذهبی و نگرش جنسیتی با الگوهای خانوادگی*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- سراج‌زاده، سید حسین؛ پویافر، محمدرضا. (۱۳۸۷)، «دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال ۱۶، شماره ۶۳.

- سراج‌زاده، سیدحسین؛ جواهری، فاطمه. (۱۳۸۵)، «برابری‌گرایی جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای و نگرشی مرتبط با آن»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۷، شماره ۲.

- سروش، مریم؛ بحرانی، شعله. (۱۳۹۲)، «رابطه دینداری، نگرش به نقش‌های جنسیتی و نگرش به فرزند، با تعداد واقعی و ایده‌آل فرزند»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۱، شماره ۲، تابستان.
- سودانی، منصور؛ محمدی، کبری؛ احیا کننده، منیژه. (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه دینداری با رضایت زناشویی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز»، *سخنرانی در چهارمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده*.
- شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۸۴)، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۱.
- عباسی شوازی، محمد جلال؛ حسینی چاووشی، میمنت. (۱۳۹۲)، «روند و سطح باروری طی چهار دهه اخیر در ایران: کاربرد روش فرزندان خود در برآورد باروری در سرشماری‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۹۰، گزارش تحقیقاتی، پژوهشکده آمار، مرکز آمار ایران.
- عنایت، حلیمه و دیگران. (۱۳۹۰)، مطالعه رفتار و نگرش باروری دو نسل مادران و دختران و عوامل فرهنگی مرتبط با آن، *پژوهش‌نامه جامعه‌شناسی جوانان*، سال اول، شماره اول.
- فاضلی، نعمت‌الله؛ علی‌نقیان، شیوا. (۱۳۹۰)، «گونه‌شناسی الگوهای در حال ظهور زندگی خانوادگی در شهر تهران»:  
[www.wul.ir/image/pdf/article\\_dr\\_alinaghian.pdf](http://www.wul.ir/image/pdf/article_dr_alinaghian.pdf)
- مدیری، فاطمه. (۱۳۹۲)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ارزش‌های خانوادگی با تأکید بر نقش دینداری، *رساله دکتری*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.
- مدیری، فاطمه. (۱۳۹۴)، *بررسی سبک زندگی متاهلین و تعیین کننده‌های آن (مورد مطالعه: شهر تهران)*، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

بررسی مقایسه‌ای تأثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی ... ۱۹۹

- مدیری، فاطمه؛ آزادارمکی، تقی. (۱۳۹۲)، «جنسیت و دینداری»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۴، شماره ۳ (پیاپی ۵۱).
- مدیری، فاطمه؛ مهدوی، محمد صادق. (۱۳۹۴)، «ارزش‌های پست مدرن خانوادگی در شهر تهران»، *خانواده پژوهی*، دوره یازدهم، شماره ۴۳.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰)، *نتایج سرشماری نفوس و مسکن*.
- مرکز آمار ایران. (بی‌تا)، *طبقه‌بندی سطوح آموزشی و رشته‌های تحصیلی ایران*.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۱)، دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری، چکیده نتایج طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستایی و شهری.
- موحد، مجید؛ عنایت، حلیمه. (۱۳۸۵)، «اسلام و دموکراسی بررسی جامعه‌شناختی رابطه میان دینداری و تمایل به دموکراسی»، *مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۱.
- همیلتون، مالکوم. (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی دین*، محسن ثلاثی، تبیان.
- هومین فر، الهام. (۱۳۸۲)، «تحول جامعه‌پذیری جنسیتی»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱، شماره ۷.

- Berghammer, C. (2012), "Family life trajectories and religiosity in Austria", *European Sociological Review* 28 (1), pp: 127-144.
- Castles, Francis G. (2003), "The World Turned Upside Down: Below Replacement Fertility, Changing Preferences and Family-Friendly Public Policy in 21 OECD Countries", *Journal of European Social Policy*, 13, pp: 209-227. DOI: 10. 1177/09589287030133001.
- Coleman, D. (2004), Why we don't have to believe without doubting in the 'Second Demographic Transition': Some agnostic comments, *Vienna Yearbook of Population Research*. DOI: 10. 1553/populationyearbook2004s11.

- Derosas R& Van Poppel F. (2006), *Religion and the Decline of Fertility in the Western World*. Dordrecht: Springer.
- Ferna'ndez R.& Fogli A.& Olivetti C. (2004), *Preference formation and the rise of women's labor force participation: Evidence from WWII*. NBER Working Papers 10589.
- Fernandez R.& Fogli A. (2009), "Culture: An empirical investigation of beliefs, work, and fertility", *American Economic Journal: Macroeconomics* 1 (1). pp: 146–177.
- Fortin NM. (2005), "Gender role attitudes and the labour market outcomes of women across OECD countries", *Oxford Review of Economic Policy* 21. pp: 416–438.
- Glick, P.& Fiske, S. T. (1996), "The Ambivalent Sexism Inventory: Differentiating hostile and benevolent sexism", *Journal of Personality and Social Psychology*, 70. PP: 491-512.
- Guetto, Raffaele& Luijkx, Ruud& Scherer, Stefani. (2015), "Religiosity, gender attitudes and women's labour market participation and fertility decisions in Europe", *Acta Sociologica*, Vol. 58 (2), pp: 155–172. DOI: 10. 1177/0001699315573335.
- Halman, L& T. Pettersson. (1996), "Morality and Religion: A Weakened Relationship?", *Empirical Theology* .V 9. N 2. pp: 30 – 47.
- Huber, S. & Huber W. (2012), "The Centrality of Religiosity Scale (CRS)", *Religions*, 3 (3), pp: 710-724; doi: 10. 3390/rel3030710.
- Lesthaeghe, R. (2010), "The unfolding story of the second demographic transition", *Population and Development Review* 36 (2), pp: 211–251.
- McDonald, P. (2000), "Gender equity in theories of fertility transition", *Population and Development Review*, 26 (3), pp: 427–439.

- McDonald, P. (2002), "Sustaining fertility through public policy: The range of options", *Population*, 57 (3), pp: 417 – 446.
- Miettinen, A.& Basten, S.& Rotkirch, A. (2011), "Gender equality and fertility intentions revisited: Evidence from Finland", *Demographic Research*, Vol 24 (20), pp: 469-496.
- Neels, Karel. (2005), "Fertility Postponement: Cultural Dynamics or Structural Change", *Population Studies*, No. 25, pp: 72-94.
- Philipov D.& Berghammer, C. (2007), "Religion and fertility ideals, intentions and behaviour: A comparative study of European countries", *Vienna Yearbook of Population Research*, 5, pp: 271–305.
- Spence, JT& Helmreich, RL. (1972), "The Attitudes toward Women Scale: an objective instrument to measure attitudes toward the rights and roles of women in contemporary society", *JSAS Cat*, Select Doc. Psychol, 2 PP: 66-7.
- Steiber N.& Haas B. (2012), "State of the art. Advances in explaining women's employment patterns", *Socio-Economic Review*, 10 (2), pp: 343–367.
- Surkyn, J.& R. Lesthaegh. (2004), "Value Orientations and the Second Demographic Transition (STD) in Northern, Western and Southern Europe: An Update", *Demographic Research*, Special Collection 3, Article 3 ([www.demographic-research.org](http://www.demographic-research.org)).
- Swim, J. K.& Aikin, K. J& Hall, W. S& Hunter, B. A. (1995), "Sexism and racism: Old-fashioned and modern prejudices", *Journal of Personality and Social Psychology*, 68 (2), PP: 199-214.
- Van de Kaa D J. (2001), "Postmodern fertility preferences: From changing value orientation to new behavior", *Population and Development Review*, pp: 290-331.

۲۰۲ فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۶

- Van de Kaa, D. J. (1997), "Options and sequences: Europe's demographic patterns", *Journal of the Australian Population Association*, 14 (1), pp: 1-30.